

و نادیان آن جماعت ایشان را بجهت آن بگویم که  
بروندان کاوان کبوتر را و عنکبوت را از نیند روز  
غزشت در ضیاء البریه آورده اند که چون آنحضرت  
علیه السلام با یار خود در غار در آمدند در آنجا که در  
غار در خنجر نشسته و بر آن درخت دو کبوتر نشسته  
نشست و بیضه نهادند و عنکبوت بر آن نیند چون  
کاوان نزدیک غار رسیدند یکی را پیش فرستادند از  
غار خنجر روان کس چون در غار رسید و دید که در خنجر  
نشینند و کبوتر آن خانه کرده اند و بیضه نهاده  
و عنکبوت بر آن نیند بر گشت و قصه با ایشان  
گفت کاوان باز گشتند کبوتر آن حرم نشسته اند  
پس اندوزان تاریخ فیصل عنکبوت حرام کردند  
و قایم الله اخنت عن مضاعفه من الله و عن  
جالی من الاطمینان قایم الله مبتدست و اخنت بفرک  
و قایم نگاه و هفت و اخنت بی نیاز کرد ایندین  
عن مضاعفه

عن مضاعفه متعلق بخت مضاعفه من الله و عن گفته و در  
مضاعفه از او نموده و در مضاعفه من الله گویند که در  
بالای هم نهاده یافته باشند و چنین روز را استحکام است  
و عن علی علیه السلام برکن مضاعفه ای قایم الله و عن  
من الاطمینان حال ظم جمع طم یعنی قلعه ای که در  
ربانی و حمایت سخانی نیاز کرد ایندین اخنت را از کتاب  
مضاعفه از قلعه بلند زیرا ان ما عنکبوت نشو که بر  
در مضاعفه کرد ان غاری مدار که در حصار است و  
جای آورده اند چون آن بر نیند ایچا حصار و این حد  
که در تانی چنین از جانی انار و بیچاره انار بر در غار  
گفت ای سید بر روی صفت بر و در کار را که از  
را نظر کرده تا جفته افتد هر آینه مارا خواهد دید رسول الله  
فرمودند لا یمن ان الله معکم و در صحیح بخاری و صحیح  
در بیقر علیهم فرمودند فیما یمن الله تا تهم مات  
من الله هم ضیاء و سحر بی الا و ملت جورا در مضاعفه